

بسم الله الرحمن الرحيم

کاوشی در تاریخ شاخص‌ترین نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری

سید محمد حسین حاجی زاده قمصری^۱

چکیده

از مهم‌ترین مسائل هر علمی، آشنایی با تاریخ آن علم و عالمان آن است. در تاریخ علم نحو، اختلاف‌های دو مکتب نحوی بصره و کوفه همواره از جنجالی‌ترین مسائل این علم به شمار می‌رفته و پیوسته مورد توجه نحویونی که پس از آنان آمده‌اند نیز قرار گرفته است. از اواخر قرن سوم هجری، عده‌ای از نحویون فارغ از هرگونه تعصبات مکتبی و با تلفیق آراء دو مکتب نحوی بصره و کوفه، نظرات جدیدی در این علم ارائه کردند که منجر به ایجاد مکتب نحوی جدیدی به نام مکتب بغداد شد. در این مقاله زندگی‌نامه مختصر شاخص‌ترین نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری، آثار ایشان و به طور کلی تاریخ آنان، با بهره‌گیری از منابع قرن چهارم تا نهم هجری به روش کتابخانه‌ای توصیفی بررسی شده است. در نهایت برای مخاطب اثبات گردیده که آراء این نحویون در نظرات نحویون پس از خود تأثیرگذار بوده است.

کلید واژگان:

ابن کيسان، ابن سراج، مبرمان، ابن درستویه، زجاجی.

۱. طلبه پایه سوم مدرسه علمیه شهیدین رحمه الله علیهما.

۱. مقدمه

از مهم‌ترین مسائل هر علمی، آشنایی با تاریخ آن علم و عالمان آن است. در تاریخ علم نحو، اختلاف‌های دو مکتب نحوی بصره و کوفه همواره از جنجالی‌ترین مسائل این علم به شمار می‌رفته و پیوسته مورد توجه نحویونی که پس از آنان آمده‌اند نیز قرار گرفته است. از اواخر قرن سوم هجری، عده‌ای از نحویون فارغ از هرگونه تعصبات مکتبی و با تلفیق آراء دو مکتب نحوی بصره و کوفه، نظرات جدیدی در این علم ارائه کردند که منجر به ایجاد مکتب نحوی جدیدی به نام مکتب بغداد شد. مقاله پیش رو در صدد است تا با بررسی زندگی‌نامه مختصر شاخص‌ترین نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری، به شناخت این نحویون دست یابد.

مقالاتی پیرامون این موضوع نوشته شده است که یا عنوان جامع‌تری را در بر می‌گیرند، مانند: (مهتدی، ۱۳۹۴ش، صص ۱۹۰-۱۷۵)، یا دامنه خاص‌تری را شامل می‌شوند، مانند: (بورگل، ۱۳۵۳ش، صص ۱۱۶-۱۰۲) و هیچ یک به صورت اختصاصی به شاخص‌ترین نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری نپرداخته‌اند.

پرسش اصلی این مقاله عبارت است از: «تاریخ شاخص‌ترین نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری چگونه بوده است؟» برای پاسخ به این سوال نیازمند پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر هستیم:

۱. شاخص‌ترین نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری چه کسانی هستند؟

۲. شاخص‌ترین نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری چه آثاری داشته‌اند؟

۳. رابطه میان شاخص‌ترین نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری چگونه بوده است؟

۴. دیدگاه علمای نحو به شاخص‌ترین نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری و آثارشان چگونه است؟

در این مقاله زندگی نامه مختصر شاخص ترین نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم هجری، آثار ایشان و به طور کلی تاریخ آنان، با بهره گیری از منابع قرن چهارم تا نهم هجری به روش کتابخانه ای توصیفی بررسی خواهد شد.

۲. شاخص ترین نحویون مکتب بغداد از ابتدای پیدایش تا نیمه قرن چهارم

در این بخش از مقاله، پنج تن از نحویون مکتب بغداد (ابن کیسان، ابن سراج، مبرمان، ابن درستویه و زجاجی) مورد بررسی قرار خواهند گرفت؛ ابتدا ابن کیسان، ابن سراج، مبرمان و ابن درستویه که شاگرد مبرّد بوده اند بر اساس تاریخ وفات بررسی می شوند و سپس زجاجی که شاگرد مبرّد نبوده است.

۲.۱. ابن کیسان

ابن کیسان، ابوالحسن محمد بن احمد بن کیسان از پیشوایان نحو (صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۴؛ ابن تغری، بی تا، ج ۳، ص ۱۷۸) و یکی از کسانی بود که از اهل علم به شمار می رفت و از فهم بالایی برخوردار بود.^۱ او که از نحویون مکتب بصره و کوفه بود، سخنان هر دو مکتب نحوی را شنیده و هر دو را می شناخت،^۲ هر چند میل او به مکتب بصره بیشتر بود. (زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۵۳؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۲۳۰۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹)

۱. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۲، ص ۱۸۷؛ ابن انباری، ۱۹۸۵م، ص ۱۷۸؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۳، ص ۱۳۰؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۵۷؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۴.

۲. همان؛ زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۵۳؛ ابن ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۱۰۹؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۲۳۰۷؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۱۱۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۲۵۵؛ ابن تغری، بی تا، ج ۳، ص ۱۷۸؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸.

او شاگرد مبرّد^۱ و ثعلب بود.^۲ ابوبکر بن مجاهد می گوید: ابن کیسان از دو استادش یعنی مبرّد و ثعلب قوی تر است.^۳

سیرافی می گوید: پس از مبرّد ریاست در نحو به زجاج و ابن کیسان رسید، هرچند که زجاج تعصب بیشتری بر مکتب بصره داشت و ابن کیسان خلط بین دو مکتب بصره و کوفه می کرد. (سیرافی، ۱۹۶۶م، ص ۸۱ و ۸۲)

مبرمان می گوید: قصد داشتم که الکتاب سیبویه را نزد ابن کیسان بخوانم، اما او امتناع کرده و گفت که به نزد اهلش برو و با این سخن به زجاج (و ابن سراج (حموی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۲۳۰۷)) اشاره کرد. (زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۵۳؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۵۹)

گفته شده که قاضی اسماعیل قیاس های ابن کیسان در زبان عربی را رد می کرد. (قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۵۸)

ابوبکر بن أنباری بسیار بر ابن کیسان ایراد گرفته و می گوید: ابن کیسان بین دو مکتب بصره و کوفه خلط کرده و هیچ کدام را به درستی درک نکرده است و حتی زجاج از ابن کیسان برتر است.^۴

۱. سیرافی، ۱۹۶۶م، ص ۸۱؛ زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۵۳؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۲، ص ۱۸۷؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۱۷۸؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۳، ص ۱۳۰؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۲۳۰۷؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۵۷؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۴؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۱۱۷؛ ابن تغری، بی تا، ج ۳، ص ۱۷۸؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸.

۲. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۵۳؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۲، ص ۱۸۷؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۱۷۸؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۳، ص ۱۳۰؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۲۳۰۷؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۵۷؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۴؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۱۱۷؛ ابن تغری، بی تا، ج ۳، ص ۱۷۸؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸.

۳. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۵۳؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۲، ص ۱۸۷؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۱۷۸؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۳، ص ۱۳۰؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۲۳۰۷؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۵۷؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۴۳۷؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۴؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۱۷۶؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۱۱۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۲۵۵؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸.

۴. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۵۳؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۲۳۰۷؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۵۹؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹.

قفطی می‌گوید: ابن کیسان دو مکتب بصره و کوفه را در هم آمیخت و از هر یک، آن چیزی را که گمان می‌کرد صحیح است و با معیارهای قیاسی او منطبق است برمی‌گزید و تعصب بر مکاتب نحوی را ترک کرد. (همان)

ابوحیان توحیدی می‌گوید: مجلسی ندیدم که فایده‌اش بیشتر و در انواع علوم جامع‌تر از مجلس ابن کیسان باشد، به خصوص در بیان نکات با ارزش و جدید و دقیق. او در شروع به قرآن و قرائات و سپس به احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌پرداخت و هنگامی که حدیث ناآشنا یا لفظ نادری خوانده می‌شد، آن را مشخص می‌کرد و درباره‌اش سخن می‌گفت و از شاگردانش درباره معنای آن سؤال می‌کرد. او در ابتدا و انتهای روز کتاب مجالسات ثعلب را درس می‌داد و در مقابل مسجد او حدود صد مرکب جمع می‌شد که متعلق به سران و نویسندگان و ثروتمندان و بزرگان بود که برای شرکت در مجلس او می‌آمدند؛ با این حال توجه او به فقیران مانند ثروتمندان بود. (حموی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۲۳۰۸؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹)

از شاگردان او می‌توان به زجاجی اشاره کرد. (فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۸۰)

صفدی می‌گوید: ابن کیسان کتب فراوان و نظرات مشهوری در تفاسیر و معانی آیات دارد و بسیار مورد اعتماد است. (صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۴)

از کتب او می‌توان به غریب الحدیث، البرهان، الحقائق، المختار، الوقف والإبتداء، المذهب فی النحو، القرائات، الهجاء، التصاریف، المقصور والممدود، الشاذانی فی النحو، المذکر و المؤنث، مختصر النحو، معانی القرآن، المسائل علی مذهب النحویین مما اختلف فیہ البصريون و الکوفیون، (الفاعل و المفعول به (همان، ۲۵؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۲۳۰۸؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۵۹))، (غلط ادب الکاتب، اللامات، مصابیح الکتاب (حموی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۲۳۰۸؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۵)) و (الکافی فی النحو (قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۵۹)) اشاره کرد.^۱

۱. ابن‌ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۱۰۹؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۲۳۰۸؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۵۸ و ۵۹؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۵.

سرانجام ابن‌کیسان در سال دویست و نود و نه^۱ (یا سیصد و بیست (حموی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۲۳۰۹؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹)) هجری قمری درگذشت.

۲.۲. ابن‌سراج

ابوبکر محمد بن سریّ سراج از پیشوایان نحو^۲ و یکی از دانشمندان یادشده در ادبیات عرب بود.^۳

او شخصی مورد اعتماد^۴ و شاگرد مبرّد بود.^۵

ابن‌سراج جوان‌ترین شاگرد مبرّد بود و در ذکاوت می‌درخشید. مبرّد به او توجه داشت و او را به خود نزدیک کرده (یغموری، بی‌تا، ص ۱۲۵) و مسائل نحوی را برای او شرح می‌کرد و دائماً با او بود. بعد از درگذشت مبرّد، روزی ابن‌سراج را نزد زجاج دیدم. شخصی درباره مسئله‌ای نحوی از زجاج سوال کرد. زجاج از ابن‌سراج خواست تا او جواب دهد؛ اما ابن‌سراج در جواب اشتباه کرد.

۱. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۵۳؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۲، ص ۱۸۷؛ ابن‌أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۱۷۸؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۳، ص ۱۳۰؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۵، ص ۲۳۰۶؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۵۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۳۳۷؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۴۳۷؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۲۴؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۱۷۶؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۱۱۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۲۵۵؛ ابن‌تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹.

۲. ابن‌أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۱۸۶؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۳۵؛ ابن‌خلکان، ۱۹۷۱م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۰۲.

۳. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۲؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۳، ص ۲۶۳؛ سمعانی، ۱۹۶۲م، ج ۷، ص ۱۱۴؛ ابن‌أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۱۸۶؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۳، ص ۲۷۷؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۳۵؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۴۵؛ ابن‌خلکان، ۱۹۷۱م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۰۲؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۲۶۵.

۴. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۳، ص ۲۶۳؛ سمعانی، ۱۹۶۲م، ج ۷، ص ۱۱۴؛ ابن‌أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۱۸۶؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۳، ص ۲۷۷؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۴۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۷۳.

۵. همان؛ ابن‌ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۸۶؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۳۵؛ ابن‌خلکان، ۱۹۷۱م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۴۷۲؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۰۲؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۲۶۵؛ ابن‌تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۲؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۹.

زجاج عصبانی می‌شود و می‌گوید: به خدا سوگند که اگر در خانه‌ام بودی تو را می‌زدم، اما اکنون جلسه تحمل این را نخواهد داشت. ما تو را در ذکاوت به ابوالحسن بن رجاء تشبیه می‌کردیم و تو در مثل چنین مسئله ساده‌ای اشتباه می‌کنی. ابن سراج می‌گوید: قطعاً تو با این حرف مرا زدی و تنبیه کردی (یعنی متنبه ساختی)، من مدت‌هاست که آنچه از الکتاب سیبویه فرا گرفته بودم (یعنی علم نحو) را رها کرده‌ام و به علم منطق و علم موسیقی پرداختم، ولی اکنون بار دیگر به علم نحو می‌پردازم. پس از این قضیه، ابن سراج بار دیگر به علم نحو پرداخت.^۱ او به الکتاب سیبویه بازگشت و در نکات آن دقت نمود و با اتکاء به نظرات اخفش و کوفیون با اصول بصریون در مسائل بسیاری مخالفت کرد. (حموی، ۱۹۹۳، ج ۶، ص ۲۵۳۵؛ قفطی، ۱۹۸۲، ج ۳، ص ۱۴۹؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۹)

گفته شده است که نحو دیوانه تا زمانی که ابن سراج با اصول خود به آن عقل بخشید. (حموی، ۱۹۹۳، ج ۶، ص ۲۵۳۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۹)

زجاجی،^۲ سیرافی،^۳ رمانی^۴ و ابوعلی فارسی (فیروزآبادی، ۲۰۰۰، ص ۲۶۵) از شاگردان او بودند. (ابن‌انباری، ۱۹۸۵، ص ۱۸۶؛ حموی، ۱۹۹۳، ج ۶، ص ۲۵۳۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۰)

ابن‌انباری می‌گوید: پس از مبرّد ریاست در نحو به ابن سراج رسید. (ابن‌انباری، ۱۹۸۵، ص ۱۸۶؛ حموی، ۱۹۹۳، ج ۶، ص ۲۵۳۵) اما سیرافی می‌گوید: پس از مبرّد ریاست در نحو به زجاج و ابن‌کیسان رسید و بعد از آن دو ابن سراج و مبرمان بودند که از آنها بیشتر نحو را فرا گرفتیم و الکتاب

۱. ابن‌ندیم، ۱۹۹۷، ص ۸۶؛ حموی، ۱۹۹۳، ج ۶، ص ۲۵۳۵؛ قفطی، ۱۹۸۲، ج ۳، ص ۱۴۸ و ۱۴۹؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲، ج ۳، ص ۲۶۳؛ سمعانی، ۱۹۶۲، ج ۷، ص ۱۱۴؛ قفطی، ۱۹۸۲، ج ۳، ص ۱۴۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۳، ص ۷۳؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰، ص ۲۶۵.

۳. همان؛ سیرافی، ۱۹۶۶، ص ۸۲؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲، ج ۱۳، ص ۲۷۷؛ ابن‌خلکان، ۱۹۷۱، ج ۴، ص ۳۳۹؛ یافعی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۲۰۲.

۴. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲، ج ۳، ص ۲۶۳؛ سمعانی، ۱۹۶۲، ج ۷، ص ۱۱۴؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲، ج ۱۳، ص ۲۷۷؛ قفطی، ۱۹۸۲، ج ۳، ص ۱۴۵؛ ابن‌خلکان، ۱۹۷۱، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ صفدی، ۲۰۰۰، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷، ج ۲، ص ۲۰۲.

سیبویه را نزد آنان خواندم. (سیرافی، ۱۹۶۶م، ص ۸۲؛ ابن ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۸۶؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۴۹)

مشهورترین کتاب او الأصول فی النحو می‌باشد.^۱ رمانی می‌گوید: یک بار در حضور ابن سراج، صحبت از کتاب الأصول فی النحو او شد. شخصی گفت که این کتاب از المقتضب مبرّد برتر است. ابن سراج در ردّ او گفت که چنین حرفی را نزن.^۲

از دیگر کتب او می‌توان به شرح سیبویه،^۳ الشعر و الشعراء،^۴ الرياح و الهواء و النار،^۵ الموجز صغیر،^۶ الإشتقاق،^۷ احتجاج القراء،^۸ الجمل،^۹ جمل الأصول، (ابن ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۸۶؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن خلکان، ۱۹۷۱م، ج ۴، ص ۳۳۹) المواصلات فی الأخبار والمذاکرات، (همان) الخط،

۱. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۲؛ ابن ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۸۶؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۱۸۶؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن خلکان، ۱۹۷۱م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۴۷۲؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۰۲؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۱۵۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۲۶۵.

۲. ابن ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۸۶؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۳، ص ۲۶۳؛ سمعانی، ۱۹۶۲م، ج ۷، ص ۱۱۴؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۳، ص ۲۷۷ و ۲۷۸؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۳۶؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۴۵ و ۱۴۹؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۷۳؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۰.

۳. ابن ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۸۶؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن خلکان، ۱۹۷۱م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۴۷۲؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۰۲.

۴. ابن ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۸۶؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن خلکان، ۱۹۷۱م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۰۲.

۵. همان.

۶. ابن ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۸۶؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۴۹؛ ابن خلکان، ۱۹۷۱م، ج ۴، ص ۳۳۹؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۷۳.

۷. همان.

۸. همان.

۹. همان.

الهجاء و (مختصر النحو (زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۲؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۴۵)) اشاره کرد.
(حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۳۶؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۰)

سرانجام ابن سراج در سال سیصد و شانزده^۱ یا سیصد و پانزده (ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۱۵۷)
هجری قمری درگذشت.

۲.۳. مبرمان

ابوبکر محمد بن علی بن اسماعیل عسکری معروف به مبرمان در راه رامهرمز متولد شد (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۵) و اهل عسکر بود.^۲ او از پیشوایان نحو (حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۷۳؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۲۷۷) و شاگرد مبرّد بود^۳ و مبرّد به دلیل ملازمت بسیارش با او و همچنین سؤالات فراوانش، به او لقب مبرمان داد. (قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۸۹؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۴، ص ۸۱)
فرزند مبرّد می گوید: در میان شاگردان پدرم دو نفر بودند که یکی پست شد و دیگری بالا رفت.
گفته شد: آن دو چه کسانی هستند؟ جواب داد: مبرمان، نزد پدرم نحو خواند و الکتاب سیبویه را از او فرا گرفت و زجاج گفته است که پست شد؛ و دیگری کلابزی^۴ که او نیز نزد پدرم نحو خواند و مازنی گفته است که بالا رفت. (زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۴؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۷۳؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۶)

۱. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۳، ص ۲۶۳؛ سماعی، ۱۹۶۲م، ج ۷، ص ۱۱۴؛ ابن انباری، ۱۹۸۵م، ص ۱۸۷؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۳، ص ۲۷۷؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۳۶؛ ابن خلکان، ۱۹۷۱م، ج ۴، ص ۳۴۰؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۱، ص ۲۹۶؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۱، ص ۴۷۲؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۳، ص ۷۳؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۰۲؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۲۶۵؛ ابن تغری، بی تا، ج ۳، ص ۲۲۲؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۱۰.

۲. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۴؛ ابن ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۸۴؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۷۲؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۸۹؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۲۸؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۴، ص ۸۱؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۱۸؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۲۷۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۵.

۳. حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۷۳؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۸۹؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۲۸؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۱۸؛ سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۵.

از دیگر اساتید مبرمان می‌توان به زجاج اشاره کرد. (حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۷۳؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۵)

مبرمان در تعلیم دادن بخیل بود و الکتاب سیبویه را تعلیم نمی‌داد مگر با اجرت صد دینار. (همان) ابوسعید سیرافی (سیرافی، ۱۹۶۶م، ص ۸۲) و ابوعلی فارسی از شاگردان او بودند.^۱

سیرافی می‌گوید: پس از مبرد ریاست در نحو به زجاج و ابن‌کیسان رسید و بعد از آن دو ابن‌سراج و مبرمان بودند که از آنها بیشتر نحو را فرا گرفتم و الکتاب سیبویه را نزد آنان خواندم. (همان)

از کتب او می‌توان به العیون، النحو المجموع علی العلل، صفه شکر المنعم، شرح کتاب سیبویه (که آن را تمام نکرد)، (شرح شواهد کتاب سیبویه، المجاری لطیف)^۲، (شرح کتاب أخفش)^۳ و (التلقین فی النحو)^۴ اشاره کرد.^۵

سرانجام مبرمان در سال سیصد و چهل و پنج (حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۷۴؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۷) (یا سیصد و بیست و شش (قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۸۹؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۴، ص ۸۱؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۲۷۷) و یا سیصد و بیست و هفت (ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۲۸؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۱۸) هجری قمری در اهواز (قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۸۹) درگذشت.

۴، ۲. ابن‌درستویه

۱. حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۷۳؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۸۹؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۴، ص ۸۱؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۲۷۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲. ابن‌ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۸۴؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۷۴؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۹۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۴، ص ۸۱؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۷.

۳. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۴؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۷۴؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۲۷۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۷.

۴. حموی، ۱۹۹۳م، ج ۶، ص ۲۵۷۴؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۴، ص ۸۱؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۲۷۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۷.

۵. همان؛ ابن‌ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۸۴؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۳، ص ۱۹۰.

ابومحمد عبدالله بن جعفر بن درستویه بن مرزبان فارسی متولد سال دویست و پنجاه و هشت^۱ و اهل فسا بود^۲ و تا هنگام وفاتش در بغداد ساکن بود.^۳ او از پیشوایان نحو (ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰) و یکی از نحویون مشهور و ادیبان یادشده است که دارای منزلتی والا و علمی فراوان می‌باشد.^۴ برخی او را از طرفداران سرسخت مکتب بصره دانسته‌اند.^۵

ابن درستویه شاگرد میرد بود^۶ و الکتاب سیبویه را نزد او خواند و در آن مهارت یافت. (زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۶؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳)

۱. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۱۴؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۴؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۴؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

۲. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۶؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۱۳؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۴، ص ۱۵۱۱؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۴؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۶۷.

۳. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۱۳؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۳۳.

۴. ابن‌انباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۱۳؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۴، ص ۱۵۱۱؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

۵. قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۶۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

۶. همان؛ زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۶؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۱۳؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۴، ص ۱۵۱۱؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۴؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ عسقلانی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۲۶۸.

از دیگر اساتید او می‌توان به (ثعلب (ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰))، ابن قتیبه^۱، یعقوب بن سفیان فسوی^۲، عباس بن محمد دوری^۳، یحیی بن ابی طالب، (همان؛ عسقلانی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۲۶۸) محمد بن حسین حنینی، (ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰) عبدالرحمن بن محمد بن منصور حارثی، (همان) احمد بن حباب حمیری، قاسم بن مغیره جوهری، ابوقلابه رقاشی و عبدالکریم بن هیثم عاقولی اشاره کرد. (خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۱۱، ص ۸۵)

ابن درستویه شخصی تیزبین (زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۶؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳) و مورد اعتماد بود. (ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰) و هیچ‌کس نتوانسته است که با دلیل او را تضعیف کند. (ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۷۷)

خطیب بغدادی می‌گوید: از هبه الله بن حسن طبری شنیدم که درباره ابن درستویه و ضعیف بودنش می‌گوید که به من این گونه رسیده است که به ابن درستویه گفته شد که برای ما حدیثی از عباس دوری بگو و ما به تو درهمی عطا می‌کنیم و او نیز چنین کرد در حالی که از عباس چیزی نشنیده بود. سپس خطیب در نقد این قضیه می‌گوید: این حکایت باطل است؛ زیرا شأن ابن درستویه بالاتر از این بود که به خاطر پول بسیار دروغ بگوید، پس چطور برای مقدار بی‌ارزشی پول دروغ بگوید؟ همچنین ابن رزقویه به وسیله کتاب امالی‌اش که آن را در مسجد جامع شهر از سخنان ابن درستویه املاء کرده بود برای ما حدیث می‌گفت و در آن کتاب از عباس دوری احادیث زیادی نقل شده بود.^۴

۱. ابن أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۱۳؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۴، ص ۱۵۱۱؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۴؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ عسقلانی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۲۶۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

۲. ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۷۶؛ ذهبی، ۱۹۶۳م، ج ۲، ص ۴۰۰؛ عسقلانی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۲۶۷ و ۲۶۸.

۳. ابن جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۷۶؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ عسقلانی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۲۶۸.

۴. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۱۳ و ۲۱۴؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ ذهبی، ۱۹۶۳م، ج ۲، ص ۴۰۱؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ عسقلانی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۲۶۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

سپس خطیب می‌گوید: از برقانی درباره ابن‌درستویه سوال کردم و او جواب داد که تضعیفش کرده‌اند؛ زیرا زمانی که کتاب التاریخ را از نویسندگان آن یعقوب بن سفیان به صورت مستقیم نقل کرد، او را تکذیب کردند و گفتند که یعقوب این کتاب را مدت‌ها پیش تدریس کرده است، پس تو چگونه از او مستقیماً نقل قول می‌کنی؟ سپس خطیب در نقد این قضیه می‌گوید: جعفر بن درستویه (پدر ابن‌درستویه) که از محدثین بزرگ و فهمیده بود از علی بن مدینی (که در طبقه بالاتری نسبت به یعقوب بن سفیان بود) نقل قول کرده است. پس نمی‌توان انکار کرد که ابن‌درستویه زودتر از پدرش نزد یعقوب بن سفیان رفته باشد. علاوه بر اینکه ابوالقاسم ازهری به من گفته است که هنگامی که ارثیه ابن‌آبنوسی فروخته شد، اصل کتاب التاریخ یعقوب بن سفیان را که ابن‌درستویه نقل کرده است بین آن دیدم و نقل ابن‌درستویه در آن را صحیح یافتیم.^۱

سپس خطیب می‌گوید: از ابوسعید حسنین بن عثمان شیرازی درباره ابن‌درستویه سؤال کردم و او جواب داد که مورد اعتماد است همچنین ابوعبیدالله بن منده که در حفظ کردن مورد اعتماد بود، از ابن‌درستویه برای ما حدیث نقل کرده است و من از او درباره ابن‌درستویه سؤال کردم و او در جواب او را مدح کرد و توثیقش نمود.^۲

دارقطنی^۳، ابوعبیدالله بن منده، (ابن‌انباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۱۴؛ ابن‌جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰) ابن‌شاهین، (ابن‌جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ عسقلانی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۲۶۸) ابوعلی بن شاذان، (همان) ابوعبیدالله مرزبانی، (ابن‌انباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۱۳؛ عسقلانی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۲۶۸) ابن‌رزقویه، (ابن‌جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰) محمد بن مظفر، (ابن‌جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ عسقلانی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۲۶۸) ابوالحسین بن فضل، (ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰) منصور بن ملاعب صیرفی از شاگردان او بودند. (خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۱۱، ص ۸۵)

۱. خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن‌انباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۱۴؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ ذهبی، ۱۹۶۳م، ج ۲، ص ۴۰۱؛ عسقلانی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۲۶۸.

۲. همان؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

۳. ابن‌جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۴؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ ابن‌کنیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ عسقلانی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۲۶۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

از کتب او می‌توان به الإرشاد^۱، تفسیر کتاب جرمی^۲، الهجاء^۳، شرح الفصیح^۴، غریب الحدیث^۵، المقصور و الممدود^۶، ردّ علی المفضل فی الردّ علی الخلیل^۷، معانی الشعر^۸، أخبار النحویین^۹، الهدایة^{۱۰}، خبر قسّ بن ساعد و تفسیره^{۱۱}، الحیّ و المیت، (قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۵؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷) التوسّط بین الأخفش و ثعلب فی تفسیر القرآن، (همان) الردّ علی الفراء فی المعانی، (همان) نقض الراوندی علی النحویین، (قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۴؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۶۸) الإنتصار لکتاب العین، (همان) الأضداد، (قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲،

۱. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۶؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۱۳؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۴ و ۴۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۶۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

۲. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۶؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۱۳؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۴ و ۴۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۶۸.

۳. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۶؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۱۳؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۴ و ۴۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷.

۴. قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۶۸؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

۵. قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

۶. همان.

۷. قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۵؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

۸. همان.

۹. همان.

۱۰. قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۳ و ۱۱۴؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۵؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۶۸.

۱۱. همان.

ص ۱۱۴؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷) ادب الکاتب، (ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰) المذکر و المؤنث، (همان) المعانی فی القرائات، (همان) الأعداد (ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۵) و أسرار النحو (فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۶۸) اشاره کرد.

قفطی علاوه بر کتب نام برده، کتب دیگری نیز برای ابن درستویه ذکر می‌کند که عبارت اند از: الردّ علی بزرج العروسیّ، الردّ علی ثعلب فی اختلاف النحویین، الردّ علی ابن خالویه فی الکّلّ و البعض، الردّ علی ابن مقسم فی اختیاره، الردّ علی ابی زید البلخی فی النحو، الردّ علی من قال بالزوائد و قال یكون فی الکلام حرف زائد، تفسیر قصیده شبیل بن عزرة، رساله إلى نجیح الطولونی فی تفضیل العربیة، الکلام علی ابن قتیبه فی تصحیف العلماء، الإحتجاج للفرّاء و جوامع العروص. (قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۴)

همچنین قفطی در ذیل برخی از کتب او عبارت (آن را تمام نکرد.) را می‌آورد که آن کتب عبارت اند از: شرح المفضّلیات، شرح المقتضب، شرح الکلام و نکته، تفسیر الشیء، تفسیر السبع الطوال، المعانی فی القرآن، النصرة لسیبویه علی جماعه النحویین و الأزمنة. (همان)

سرانجام ابن درستویه در سال سیصد و چهل و هفت هجری قمری^۱ و در هشتاد و نه سالگی (ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۷۶) درگذشت.

۲،۵. زجاجی:

۱. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۶؛ خطیب بغدادی، ۲۰۰۲م، ج ۱۱، ص ۸۵؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۱۴؛ ابن جوزی، ۱۹۹۲م، ج ۱۴، ص ۱۱۵؛ حموی، ۱۹۹۳م، ج ۴، ص ۱۵۱؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۱۴؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۴۴؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۱۰۰؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۷۶؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۷، ص ۵۷؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۶۸؛ عسقلانی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۲۶۸؛ ابن تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۲۱؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶.

ابوالقاسم عبدالرحمن بن اسحاق نهاوندی مشهور به زجاجی اهل بغداد بود^۱ و مدتی در حلب (همان، ۶۰؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷) و سپس در دمشق^۲ ساکن شد. او اصالتاً اهل صیمر (قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷) یا نهاوند (ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۱۳۶) بود. او از پیشوایان نحو (همان؛ ابن انباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۲۷) و شخصی باوقار و خوش سیما بود. (ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۸۱)

۱. سمعانی، ۱۹۶۲م، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ ابن تغری، بی تا، ج ۳، ص ۳۰۲ و ۳۰۳؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷.

۲. سمعانی، ۱۹۶۲م، ج ۶، ص ۲۷۲؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ ابن تغری، بی تا، ج ۳، ص ۳۰۳؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷.

زجاجی شاگرد زجاج بود^۱ و به دلیل همراهی اش با زجاج به زجاجی مشهور شد.^۲ از دیگر اساتید او می توان به ابن درید^۳، أخفش صغیر^۴، ابوبکر بن أنباری^۵، محمد بن عباس یزیدی^۶، ابن سراج^۷، (ابن أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۲۷؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸) ابوجعفر بن رستم طبری (غلام مازنی)، (ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸) ابن کیسان، ابوموسی حامض و (نפטویه همان؛ سمعانی، ۱۹۶۲م، ج ۶، ص ۲۷۲؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷) اشاره کرد. (فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۸۰)

زجاجی با ابوسعید سیرافی و ابوعلی فارسی هم طبقه بود، هر چند که فارسی می گفت: اگر زجاجی سخنان نحوی ما را می شنید، از اینکه در علم نحو سخنی بگوید حیا می کرد. (ابن أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۲۷؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۶۰)

احمد بن محمد بن سلامه^۸، (ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷) ابومحمد بن ابی نصر، (همان) احمد بن علی حبال، عبدالرحمن بن عمر بن نصر و حسن بن علی سقلی از شاگردان او بودند. (سمعانی، ۱۹۶۲م، ج ۶، ص ۲۷۲)

۱. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۹؛ سمعانی، ۱۹۶۲م، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۲۷؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۸۰؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷.

۲. زبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۹؛ سمعانی، ۱۹۶۲م، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۸۰؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷.

۳. سمعانی، ۱۹۶۲م، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷.

۴. سمعانی، ۱۹۶۲م، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن أنباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۲۷؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷.

۵. سمعانی، ۱۹۶۲م، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ سیوطی، بی تا، ج ۲، ص ۷۷.

۶. سمعانی، ۱۹۶۲م، ج ۶، ص ۲۷۲؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۲۵.

مشهورترین کتاب او الجمل می‌باشد.^۱ زجاجی این کتاب را در مکه نوشت و مردم بی‌شماری از این کتاب استفاده کردند. او هر باب را که می‌نوشت، هفت دور طواف می‌کرد و از خداوند می‌خواست که او را بیامرزد و این کتاب را برای خواننده آن سودمند قرار دهد.^۲ قفطی به نقل از شیخ ابوالبقاء صالح بن عادی عذری أنماطی می‌گوید: به همین دلیل این کتاب برای طالبان علم مفید بود. کتاب الجمل مورد استفاده اهل مصر، مغرب، حجاز، یمن و شام بود، تا زمانی که مردم به کتاب اللمع ابن جنی و الإیضاح ابوعلی فارسی پرداختند. (قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۶۱) همچنین گفته شده است که زجاجی مسئله‌ای را در کتاب الجمل حل نمی‌کرد مگر آنکه باوضو بود و به همین دلیل است که این کتاب با برکت شد. (ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۸۱)

از دیگر کتب او می‌توان به شرح خطبة أدب الکتاب^۳، المختار فی القوافی، (ابن‌ندیم، ۱۹۹۷م، ص ۱۰۷؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷) الإیضاح، (ابن‌انباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۲۷؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷) اللامات، (صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷) أمالی، (سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷) الکافی فی النحو، شرح کتاب الألف و اللام للمازنی (همان؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷)، (الأمانی، شرح أسماء الله الحسنی (فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۸۱) و (مختصر (ابن‌تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۰۳) اشاره کرد. (ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸)

۱. ابن‌انباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۲۷؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۸۰؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۲. قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۶۱؛ ابن‌خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن‌کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۳. ابن‌انباری، ۱۹۸۵م، ص ۲۲۷؛ قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۸۰ و ۱۸۱؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

سرانجام زجاجی در سال سیصد و سی و هفت (زیبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۹؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۲۵) یا سیصد و چهل^۱ و یا سیصد و سی و نه^۲ هجری قمری و در دمشق^۳ یا طبریه^۴ درگذشت.

۳. نتیجه

از گزاره‌های تاریخی این مقاله دانسته شد که هر پنج نحوی نام برده شده در آن، به دو امر تألیف (یا املاء) کتاب و تربیت شاگردان می‌پرداختند؛ همین مسئله موجب ثبت نظرات نحوی آنان در تاریخ شده و باعث شد تا علمای علم نحو پس از آنان، از نظراتشان بهره‌مند گشته و از آنها استفاده کنند. پس به عبارت دیگر، آراء این نحویون، در نظرات نحویون پس از خود تأثیر گذار بوده است.

۱. قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۶۰؛ صفدی، ۲۰۰۰م، ج ۱۸، ص ۶۷؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۸۱؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۲. ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ ابن تغری، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۰۲؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۳. زیبیدی، ۱۹۷۳م، ص ۱۱۹؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۵۰؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۲۵.

۴. قفطی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۶۰؛ ابن خلکان، ۱۹۰۰م، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۱۲، ص ۶۸؛ ذهبی، ۱۹۸۵م، ج ۲، ص ۶۰؛ یافعی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ابن کثیر، ۱۹۸۸م، ج ۱۱، ص ۲۲۵؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۰م، ص ۱۸۱؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷.

۴. منابع

۱. ابن أنباری، ابوالبركات كمال‌الدین عبدالرحمن بن محمد بن عبیدالله انصاری، محقق: إبراهيم سامرائی (۱۴۰۵ق - ۱۹۸۵م). **نزهة الألباء فی طبقات الأدباء** (چاپ سوم). زرقاء: انتشارات مكتبة المنار.
۲. ابن تغری، ابوالمحاسن جمال‌الدین یوسف بن تغری بردی اتابکی (بی‌تا). **النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة** (بی‌چا). قاهره: انتشارات دارالکتب المصریة.
۳. ابن جوزی، ابوالفرج جمال‌الدین عبدالرحمن بن علی بن محمد، محققین: محمد عبدالقادر عطا؛ مصطفی عبدالقادر عطا (۱۴۱۲ق - ۱۹۹۲م). **المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک** (چاپ اول). بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیة.
۴. ابن خلکان، أبوالعباس شمس‌الدین احمد بن محمد بن ابراهیم بن ابی‌بکر ابن خلکان، محقق: احسان عباس (جلدهای اول، دوم، سوم و ششم: ۱۹۰۰م، جلد چهارم: ۱۹۷۱م، جلد‌های پنجم و هفتم: ۱۹۹۴م). **وفیات الأعیان وأنباء أبناء الزمان** (جلدهای اول، دوم، سوم و ششم: چاپ صفرم، جلد‌های چهارم، پنجم و هفتم: چاپ اول). بیروت: انتشارات دارالثقافة.
۵. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی، محقق: علی شیری (۱۴۰۸ق - ۱۹۸۸م). **البدایة و النهایة** (چاپ اول). بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
۶. ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن إسحاق بن محمد، محقق: ابراهیم رمضان (۱۴۱۷ق - ۱۹۹۷م). **الفهرست** (چاپ دوم). بیروت: انتشارات دارالمعرفة.
۷. بورگل، محمد مهدی (۱۳۵۳ش)، **ابن‌درستویه یک چهره درخشان ایرانی در نحو عربی بغداد شهری که پیا می‌خیزد**، فصلنامه فقه و اصول، ش ۲، صص ۱۱۶-۱۰۲.
۸. حموی، ابو عبد الله شهاب‌الدین یاقوت بن عبدالله رومی، محقق: إحسان عباس (۱۴۱۴ق - ۱۹۹۳م). **معجم الأدباء** (چاپ اول). بیروت: انتشارات دارالغرب الإسلامی.
۹. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی بن ثابت بن احمد بن مهدی، محقق: دکتر بشار عواد معروف (۱۴۲۲ق - ۲۰۰۲م). **تاریخ بغداد** (چاپ اول). بیروت: انتشارات دارالغرب الإسلامی.

١٠. ذهبى، ابو عبدالله شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان بن قايماز (١٤٢٧ق - ٢٠٠٦م). سير
أعلام النبلاء (بى چا). قاهره: انتشارات دارالحديث.

١١. -----، محقق: أبوهاجر محمد السعيد
بن بسيونى زغلول (١٤٠٥ق - ١٩٨٥م). العبر فى خبر من غير (چاپ اول). بيروت: انتشارات
دارالكتب العلمية.

١٢. -----، محقق: على محمد البجاوى
(١٣٨٢ق - ١٩٦٣م). ميزان الاعتدال فى نقد الرجال (چاپ اول). بيروت: انتشارات دارالمعرفة.

١٣. زبيدى، ابوبكر محمد بن حسن بن عبيدالله بن مذحج، محقق: محمد ابوالفضل إبراهيم (١٩٧٣م).
طبقات النحويين و اللغويين (چاپ دوم). قاهره: انتشارات دارالمعارف.

١٤. سمعانى، ابوسعيد عبدالكريم بن محمد بن منصور تيمى مروزى، محقق: عبدالرحمن بن يحيى
المعلمى اليمانى و ديگران (١٣٨٢ق - ١٩٦٢م). الأنساب (چاپ اول). حيدرآباد: انتشارات دائرة
المعارف العثمانية.

١٥. سيرافى، ابوسعيد حسن بن عبدالله بن مرزبان، محققين: طه محمد الزينى؛ محمد عبدالمنعم
خفاجى (مدرسین الأزهر الشريف) (١٣٧٣ق - ١٩٦٦م). أخبار النحويين البصريين (بى چا). قاهره:
انتشارات مصطفى البابى الحلبي و أولاده.

١٦. سيوطى، جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر، محقق: محمد ابوالفضل إبراهيم (بى تا). بغية الوعاة
فى طبقات اللغويين والنحاة (بى چا). صيدا: انتشارات المكتبة العصرية.

١٧. صفدى، صلاح الدين خليل بن أيبك بن عبدالله، محقق: احمد الأرناؤوط وتركى مصطفى (١٤٢٠ق
- ٢٠٠٠م). الوافى بالوفيات (بى چا). بيروت: انتشارات دار إحياء التراث العربى.

١٨. عسقلانى، ابوالفضل احمد بن على بن محمد بن احمد بن حجر، محقق: دائرة المعارف النظامية
(١٣٩٠ق - ١٩٧١م). لسان الميزان (چاپ دوم). بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

١٩. فيروزآبادى، ابوطاهر مجدالدين محمد بن يعقوب (١٤٢١ق - ٢٠٠٠م). البلغة فى تراجم ائمة
النحو واللغة (چاپ اول). دمشق: انتشارات دار سعدالدين للطباعة والنشر والتوزيع.

۲۰. قفطی، ابوالحسن جمال‌الدین علی بن یوسف، محقق: محمد ابوالفضل إبراهیم (۱۴۰۶ق - ۱۹۸۲م). *إنباه الرواة علی أنباه النحاة* (چاپ اول). قاهره: انتشارات دارالفکر العربی.

۲۱. مهتدی، حسین (۱۳۹۴ش)، *جایگاه ایرانیان در مکاتب نحوی عراق*، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی میراث مشترک ایران و عراق، ش ۱۳، صص ۱۹۰-۱۷۵.

۲۲. یافعی، ابومحمد عقیف‌الدین عبدالله بن اسعد بن علی بن سلیمان، محقق: خلیل المنصور (۱۴۱۷ق - ۱۹۹۷م). *مرآة الجنان وعبرة اليقظان فی معرفة ما يعتبر من حوادث الزمان* (چاپ اول). بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیة.

۲۳. یغموری، أبوالمحاسن یوسف بن أحمد بن محمود (بی‌تا). *نور القبس* (بی‌چا). بی‌جا: بی‌نا.